

برای حاکمیت خوب در دوره دوازدهم چه باید کرد

دلوایسی واقعی برای دولت روحانی

سیدمصطفی هاشمی طبّا - نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم



عکس فارس

ریاست‌جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی شروع و در زمان آقای سیدمحمد خاتمی تقویت شد، در دوره نهم و دهم به رکود گرایید. در دولت یازدهم اقدامات مؤثری در این‌باره صورت گرفت اما به‌جای صادرات آن به صورت گاز مایع‌شده یا گاز تحت فشار یا تبدیل آن به برق صادراتی همچنان درعین‌حال، مخالفان که ادعای طرفداری از نظام را دارند دائم مطالبات و توقعات مردم را بالا می‌برند و درواقع، مصداق بحر حسب «آن یکی بر شاخ بنشسته و بن می‌برد» هستند.

ط- معادن – معادن کشور ما بسیار غنی است اما آن قدر منابع گران‌بهاتر و پرازشر تر در کشور ما وجود دارد که شاید کم‌توجهی به آن مسئله‌ای ایجاد نکند. نه اینکه استخراج و توسعه معادن امر کم‌اهمیتی باشد، بلکه دارایی‌های دیگر کشورمان که به هدر می‌رود آنچنان است که با اندکی توجه به آن بی‌توجهی به معادن به دست فراموشی سپرده می‌شود. هرچند به نظر می‌رسد برخی معادن مانند زغال‌سنگ برای همیشه باید تعطیل شود.

-
-
-

از دیگر دارایی‌های کشور شبکه‌های خدمت‌رسانی است که نوعاً با سرمایه‌گذاری‌های حاصل از فروش نفت حاصل شده و در حال استهلاک است و نیاز به نگهداری بیشتر یا بازسازی دارد. می‌توانیم اهم این ثروت‌ها را مشخص کنیم.

الف- شبکه تولید و انتقال برق- این شبکه‌ها که با سرمایه‌گذاری سنگین و تلاش‌های بی‌وقفه ایجاد شده، عامل مهمی در توسعه کشور است. درحال‌حاضر نیروگاه‌های برق که با راندها ن نزدیک به ۳۰ درصد کار می‌کنند در حدود ۵۶ هزار مگاوات برق تولید می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود در تابستان سال آینده حدود پنج هزار مگاوات کمبود برق وجود داشته باشد که امکان سرمایه‌گذاری برای تولید برق در این مدت وجود ندارد و باید از این شبکه عاقلانه و مدبرانه نگهداری و بهره‌برداری کرد و در ارتقای راندها آن تلاش و با صرفه‌جویی کمبود را جبران کرد.

ب- شبکه گازرسانی- این شبکه نیز از ثروت‌های قابل توجه و در خدمت تقریباً همه مردم کشور است. در کمتر کشوری چنین خدمت گازرسانی وجود دارد هرچند اشتباهاتی در این امر رخ داده است مانند آنکه به نقاط گرم سیر مانند خوزستان به‌جای گازرسانی باید برق‌رسانی کامل انجام می‌شد. هرچند بیشتر نقاط خوزستان درحال حاضر از هر دو شبکه برخوردارند.

ج- شبکه سوخت‌رسانی (بنزین و گازوئیل)- شبکه پخش فراورده‌های نفتی مانند بنزین و گازوئیل که عامل محرک حمل‌ونقل می‌باشد از دیدها پنهان است و هزینه بسیار زیادی صرف پایداری شبکه و خدمت‌رسانی می‌شود.

-
-
-

نمی‌توان همه‌چیز را با هم داشت و یکی از مشکلات واضح و ابرازی کشور ما آن است که همه‌چیز را با هم می‌خواهیم.
می‌خواهیم همه مردم همه‌چیز را داشته باشند از همه امکانات در حد کشورهای پیشرفته برخوردار باشند و نیز عدالت برای همه برقرار باشد و درعین حال می‌خواهیم کشور به توسعه برسد و در همان حال با استکبار با وجود توان شیطانی و اتحاد شوم آنها مبارزه کنیم

-
-
-

د- شبکه آب‌رسانی شهرها- واقعا در این زمینه کارهای بسیاری صورت گرفته و حتی بسیاری از روستاها از شبکه آب‌رسانی برخوردار شده‌اند اما تقریباً هیچ شهری شبکه فاضلاب و تصفیه ندارد درحالی‌که سرمایه‌گذاری فوری برای این امر بسیار ضروری است. متأسفانه شبکه آب‌رسانی برخی شهرها مانند تهران به دلیل کهنگی و استهلاک مقدار زیادی از آب تصفیه‌شده را هدر می‌دهند.

-
-
-

با یک نگاه به راندها عملیاتی و مصرف ثروت‌ها درمی‌یابیم این ثروت‌ها به طرز نامطلوبی مصرف شده و از بین می‌رود. در هر سازمان و مرکز زنده همواره از سود سرمایه استفاده می‌شود. در حالی که در کشور ما از اصل ثروت به طور نامطلوب استفاده شده و این ثروت نابوده می‌شود. حال اگر به ضرورت لازم باشد ثروت مصرف شود باید در حداقل ممکن این امر صورت گیرد درحالی‌که در کشور ما مصرف از حداکثر تجاوز می‌کند و ثروت کشور دود شده و به هوا می‌رود و این امر در مورد همه ثروت‌های کشور متأسفانه عمومیت دارد.

با این تفاسیل- با وجود این همه ثروت‌سسوزی- ببینیم اوضاع اقتصادی و با نگاهی به مسائل اجتماعی چگونه است.

۱- به طور کلی آن‌طور که از سخنان همه افراد پیداست و حتی مقام معظم رهبری بدان اشاره کردند، معیشت مردم دچار مشکل است و وظیفه اصلی دولت رسیدگی به معیشت مردم قلمداد شده درحالی‌که در برنامه پنج‌ساله ششم سخنی از معیشت مردم و اینکه چگونه باید این مهم تحقق یابد نشده است؛ از اینجا باید این سخن را مطرح کرد که مقصود از معیشت چیست و مردم کدامند؟

۲- حجم اقتصاد ایران یا به‌عبارتی تولید ناخالص ملی- با احتساب تولید نفت و گاز- در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۰۹ هزارمیلیارد تومان است (با قیمت ثابت ۱۳۸۳) و حتی با پیش‌بینی هشت درصد رشد نمی‌تواند موجب حل معیشت مردم با توجه به رشد جمعیت شود.

۳- دولت مبالغ معتدلتابهی به اشخاص حقیقی و حقوقی بدهکار است و با توجه به هزینه‌های جاری دولت و پرداخت بارندها نمی‌تواند بدهی خود

سیاست

نگاه

ازداستان مسکن تاسیسات مسکن



احمد عظیمی

بلوریان

پژوهشگر

داستان مسکن در ایران سری دراز دارد. در هر دوره تاریخ که بنگریم، خانه از لانه و غارنشینی آغاز شده و هم‌زمان به کاخ‌های پادشاهان رسیده بود. امروز هم مردم در یک دامنه وسیع زندگی می‌کنند؛ از گور خوابی و کبرنشینی با ارزشی حدوداً صفر تا واحدهای آپارتمانی ۷۵۰مترمربعی در بالای برج یا پارکینگ در همان بالا آن هم در گران‌ترین منطقه تهران که هر مترمربع آن از ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان است. این نشان‌دهنده دامنه گسترده توزیع ثروت، از صفر مطلق تا صدها میلیارد تومان است. در تأمین مسکن، سه واژه مصطلح است: نیاز، تقاضا و عرضه. نیاز یک امر طبیعی است؛ اما اگر دست نیازمند خالی باشد، وارد چرخه «تقاضا» نمی‌شود.

«عرضه» پاسخ‌گویی به «تقاضا» است نه «نیاز». پیرکردن فاصله میان نیاز و تقاضا از مسئولیت‌های دولت، کارفرمایان در مشاغل، صاحبان صنایع و مؤسسات خیریه یا ان‌جی‌اوها بوده است. سرعت و شدت این حرکت بستگی به سیاست و لیاقت دولت‌های وقت داشته است. تا زمان اصلاحات ارضی، جمعیت روستایی ایران بالغ بر ۷۰ درصد کل جمعیت ایران بود. در دهه مورد اشاره که به توصیه آمریکا اراضی کشاورزی از مالکان بزرگ مصادره شد، روستاییان برای ادامه بهره‌برداری از قنات‌ دچار مشکل شدند و تولید کشاورزی افت کرد. با افت فعالیت‌های کشاورزی، نسل جوان روستایی به شهرها مهاجرت کردند و تولد‌های وقت از این حرکت شهرنشینی استقبال کردند؛ زیرا در غرب نسبت مردم روستانشین به کل جمعیت کشور از پنج درصد تجاوز نمی‌کرد.

دولت ایران برای افزایش درصد «مدنیت» به سوی مدل غربی از این حرکت سمانعت به عمل نیاورد؛ اما روستایی‌زادگان مهاجر به شهرها در حاشیه شهرها و آلونک‌ها استقرار یافتند که تفاوت زیادی با کیفیت خانه‌های روستایی نداشت. در ساخت خانه‌های روستایی همه تجربیات ایرانیان در چندین هزار سال زندگی در روستا به کار گرفته می‌شد؛ اما به دلیل نداشتن قدرت خرید، مصالحی که به کار می‌بردند، همان ترکیب سنتی خشت و گل و چوب و کاه بود. با افزودن کاه به گل، «کاهگل» می‌ساختند که به‌مراتب قوی‌تر از گل ساده بود. کاه در گل نقش آرماتور در بتن را ایفا می‌کند. با کاهگل دیوارهایی می‌ساختند که دست‌کم صد سال دوام می‌آورد. اگر تاریخی بـم نمونه بارزی از استفاده صرفی از کاهگل است. طراحی خانه‌های روستایی با همه سادگی آنها بر تجربه چندین‌هزارساله معماری بومی قرار دارد.

در نواحی گرم و پراقتاب، خانه‌ها با طوری طراحی می‌کردند که در زمستان بیشترین نور ممکن تا ته اتاق خواب برود و در تابستان کمترین نور آفتاب به اتاق نشیمن برسد. دیوار کوبه و دیوارهای رو به کوبچه را آن‌قدر بلند می‌ساختند که بیشترین سایه را به وجود بیاورد. مقایسه کنید این را با خیابان‌های گل‌وکشادی که امروز در شهرها و روستاها ساخته می‌شود؛ حتی در جزیره پراقتاب کیش که پهنای بلوارهای پراقتاب آن از بلوارهای کشور سردسیری مانند سوئیس و دانمارک بیشتر است. دولت‌ها پس از اصلاحات ارضی با ساختن یک کوره کوچک و شاید هم فروشندگان مواد مخدر، و طبعاً دولت راهی ندارد جز وعده سر خرم‌ن که اگر نیک بنگری همه‌ومه به‌عنوان عقده‌های ناگشوده در آحاد کشور نباشند است.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

چرا باید ایران از نظر نظامی قوی باشد



نعمت احمدی

حقوق‌دان

حضور خاتم نیکی‌ی هلی نماینده آمریکا در سازمان ملل در اروپا و نگاه دولت جدید آمریکا تحت ریاست دونالد ترامپ به ایران و معاهده برجام و اینکه آمریکایی‌ها فعالیت‌های موشکی ایران را مخالف با روح برجام می‌دانند، مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. نوع نگرش آمریکایی‌ها نسبت به ایران یک بار دیگر نگاه‌ها را به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه جلب کرده است. آیا ایران باید قدرت نظامی خود را افزایش دهد؟ پاسخ این سؤال ساده است؛ ایران در دو قرن یعنی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ به دفعات مورد حمله قرار گرفته است و بخش‌های عظیمی از خاک اصلی ایران با جنگ‌هایی که بر ما تحمیل شد، از ایران جدا شده است تا جایی که امروزه وسعت ایران به ۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومترمربع رسیده است، حال اینکه وسعت ایران سه برابر این مساحت بوده است. اگر در ایران دولتی با بنیه نظامی قوی سر کار بود، به یقین نمی‌توانستند بخش‌های جدایی‌ناپذیر از خاک اصلی کشورمان را جدا کنند. در نوشتار حاضر به قسمتی از تاریخ قرون ۱۹ و ۲۰ و معاهداتی که باعث جدایی بخش‌های وسیعی از خاک ایران شده است، نیم‌نگاهی می‌اندازم تا روشن شود در همه این ایام وقتی ضعیف بودیم، مورد هجوم و هجوم قرار گرفتیم.

با سقوط اصفهان و تصرف پایتخت به وسیله محمود افغان در سال ۱۱۳۵ بنیان حکومتی که شاه اسماعیل صفوی در فلات ایران ریخته بود، از هم پاشید. دولت صفوی را نخستین دولت ملی بعد از سقوط ساسانیان به وسیله اعراب می‌دانند که توانست با تکیه بر هویت ایرانی و رسمیت‌بخشیدن به مذهب شیعه به مرزهای دوره ساسانی نزدیک شود. اقتدار شاهان صفوی خصوصاً شاه عباس که امنیت در سراسر کشور را به وجود آورد، باعث رفاه عمومی شده بود و کشورهای تازه قدرت‌گرفته اروپایی‌ا را متوجه ایران کرد. از این تاریخ است که حضور کشورهای اروپایی را در ابتدا در قالب گروه‌های تجاری و در نهایت به‌عنوان استعمارگر حوالی خود حس می‌کنیم. با حضور انگلستان در شبه‌قاره هند، برای اولین‌بار دشمنی غیر از همسایگان هم‌کیش و بعضاً هم‌زبان را در مرزهای خود دیدیم. از طرفی با قدرت‌گرفتن روسیه تزاری از دیگر ازجمله روسیه ایران را وادار به انقصاد قراردادی کردند که به عهدنامه پاریس معروف است. طبق این عهدنامه ایران مجبور به چشم‌پوشی از هرات و افغانستان شد و موجودیت کشور جدیدی در مرزهای شرقی به نام افغانستان پذیرفته شد.

آخرین معاهده ظالمانه‌ای که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه از سوی روسیه علیه ایران اعمال شد، عهدنامه آخال است که طبق آن در سال ۱۸۸۰ تمام ایالت‌های ماورا، دریای خزر، تمام مناطق شمالی خراسان تا رود تجن، ترکمنستان، تاجیکستان و کلا ماورالنهر از ایران جدا شد. پایان قرن نوزدهم همراه است با جدایی بلوچستان توسط انگلستان از ایران؛ به سال ۱۸۸۷ که دولت انگلیس از ضعف دولت مرکزی استفاده کرد و تمام ایالت بلوچستان را به هند ملحق کرد و مرزهای پنجاب و رود سند که مرز طبیعی بلوچستان بود، از ایران جدا شد. ایران در حالی وارد قرن بیستم شد که مرزهای امروزی بر آن تحمیل شده بود، هرچند در آغاز قرن بیستم مهم‌ترین تحول تاریخی ایران یعنی انقلاب مشروطه به وقوع پیوست و ایران دارای پارلمان و حکومت مرکزی شده بود اما ضعف دولت و نداشتن بنیه نظامی باعث شد مقدرات ایران به دست دولّین انگلیس و روسیه بفتند و جالب اینکه در سال ۱۹۰۷ قراردادی در سن‌پترزبورگ میان دولت روسیه و انگلیس منعقد شد که ایران را بین خود به بخش تقسیم کردند. قسمت‌های شمالی متعلق به دولت روسیه و قسمت‌های جنوبی متعلق به انگلستان شد و بخش‌هایی از مرکز منطقه یی‌طرف نامیده شد. وقوع جنگ جهانی اول و به‌هم‌خوردن مناسبات سیاسی جهان و مهم‌تر از آن خارج‌شدن رقیب شمالی یعنی روسیه تزاری از بازی‌های سیاسی انگلیس و کمونیستی‌شدن این کشور عملاً دست دولت انگلیس را در ایران باز گذاشت تا جایی که به جنوب ایران حمله و بوشهر را اشغال کردند؛ هرچند با مقاومت دلیران تنگستان رویه‌رو شده و نهایتاً توجه اینکه به علت اینکه دولت ایران در جنگ جهانی اول ضعیف بود و با وجود اعلام بی‌طرفی به وسیله دولت‌های متخاصم اشغال شد؛ سرنوشتی که در جنگ جهانی دوم هم نصیب ایران شد و باز هم با وجود اعلام بی‌طرفی در شامگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ مجدداً ایران اشغال شد. دولت انگلیس که عرصه را خالی از قدرت رقیب در ایران می‌دید، با قرارداد ۱۹۱۹ درصد آن بود که اندک استقلال نمبند؛ در هم را دولتمردان ایرانی سلب کند؛ کودتای سوم اسفند آغازی دیگر بر شیوه دخالت کشورهای خارجی در ایران بود. با کودتای سوم اسفند عملاً نحوه دخالت دولت‌های خارجی در ایران تغییر کرد اما با فروپاشی دولت عثمانی و تشکیل دولت عراق در مرزهای غربی کشورمان دولت جدیدی شکل گرفت که بعد از سرکارآمدن دولت بعثی در عراق، عملاً جبهه جدیدی علیه ایران باز شد. تا اینکه با قرارداد ۱۹۷۵ ظاهراً آتش کینه دولت عراق نسبت به ایران فروکش کرد. اما وقوع انقلاب اسلامی انگیزه جدیدی شد که صدام رئیس دولت عراق جنگی را علیه ایران شروع کند که در طول جنگ مشخص شد جبهه متحدی از اعراب و همه غرب مدافع صدام است؛ میگ‌های روسی، میراز‌های فرانسوی و کمک‌های لجستیکی دیگر که از همه طرف به سوی سرازیر عراق شده بود، علیه ایران به کار گرفته شد.

حال پرسش این است: آیا ایران که در ۲۰۰ سال گذشته از اول قرن ۱۹ تا امروز بیشترین مورد تهاجم قرار گرفته و در جنگ تحمیلی همه نوع سلاح از شرق و غرب عالم علیه رزمندگان ایران به کار گرفته شد و بعد از پایان جنگ در اتحادی نوشته و نانوشته، جهان تصمیم به تحریم تسلیحاتی ایران گرفت و حتی دولت روسیه که خود را متحد ایران می‌داند، باوجود دریافت پول موشک‌های اس- ۳۰۰ را تحویل ایران نداد، از طرفی کشورهای همسایه ایران جملگی به وسیله شرق و غرب مسلح می‌شوند و در همین یکی، دو سال گذشته میلیارد دلار اسلحه به وسیله دولت‌های غربی، خصوصاً آمریکا و انگلیس به عربستان و امارات و قطر تحویل داده شده و آخرین قراردادی که در پی مسافرت دونالد ترامپ به منطقه صورت گرفت، بزرگ‌ترین قرارداد تسلیحاتی بین دولت عربستان و آمریکاست که علاوه بر خرید ۱۱ میلیارد دلار اسلحه نقدی، قرارداد ۳۳۰ میلیاردلاری زمان‌بندی‌شده‌ای هم منعقد شد...

ادامه در صفحه ۱۱